

تاریخ باطع زغال احه

یوسف قوجق





انتشارات سوهرمه‌ر (وابسته به حوزه هنری) دفتر حوزه هنری استان تهران

تاریخ با طعم زغال اخته

رمان نوجوانان

نویسنده: یوسف قوجق

طراح جلد: امیر نجفی

ویراستار: سیده سارا قربانی تنها

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۳۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰۹۹-۰

سرشناسه: قوجق، یوسف، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ با طعم زغال اخته رمان نوجوانان

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوهرمه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.

ISBN: 978-600-03-3299-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Young adult fiction, Persian -- 20th century

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوهرمه

رده‌بندی کنگره: PIR۸۱۸۰

رده‌بندی دیویی: ۶۳/۶۳۸[ج]

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۰۳۳۷۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۴

صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۳ سامانه پیامک: ۰۵۲۱۹-۳۰۰۰

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶-۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

تول و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۱۱	فصل اول
۱۳	روایت نویسنده
۱۳	یک عکس و یک راز
۲۱	فصل دوم
۲۵	روایت فرهاد از ماجرا
۱۵	۱. ترس از روح
۲۶	۲. مُخ تعطیل‌های یک و دو
۲۹	۳. ماجرای دو سال قبل
۳۴	۴. من ماندم و حوضم
۳۸	۵. داستان درویش و فیروز

۴۶ ۶. ایراد داریوش از داستان.

۵۲ ۷. مغاره کاظم کتابی

۵۷ ۸. آدمکی که اسم خودش را نمی دانست

۶۴ ۹. سوالات مادرانه

۶۷ ۱۰. امیرتومان

۶۹ ۱۱. پدر بزرگم از بیرون خانه خبر نداشت

۷۲ ب ۱۲۹۹

۷۷ فصل سوم

۷۹ روایت داریوش از ماجرا

۷۹ ۱. دورگی یا دزدی؟

۸۳ ۲. بعد از هساد، برقی افتاد

۸۹ ۳. وقتی یحیی شد نقاش، نه می شود

۹۴ ۴. کیک تولدی بین روسای

۱۰۲ ۵. انقلاب در روسیه، کودتا در ایران

۱۰۵ ۶. چی خواستیم، چی شد

۱۰۶ ۷. تخم مرغ بی زرده

۱۱۱ فصل چهارم

۱۱۳ روایت فرهاد از ماجرا

۱۱۳ ۱. رودست خوردن از «ب-۱۲۲۹»

۱۱۷ ۲. وقتی پدر بزرگم خشمگین شد

۱۲۲ ۳. خلع درجه از امیرتومانی به تابینی و ابلاغ مأموریت مهم به یاور

۱۲۶ ۴. روایت پدر بزرگم از داستان تولد رضاخان

۱۳۲ ۵. آدم کوچولو گفت: من خ-۱۲۹۹ هستم

فصل پنجم ۱۴۳

روایت کریم از ماجرا ۱۴۵

۱. در توصیف یحیی و فرهاد ۱۴۵

۲. فال گو گفت: کسی از این خانه به پادشاهی خواهد رسید ۱۴۹

۳. حرف‌هایی به تلخی ته خیار ۱۵۱

۴. ربیر علی! دل! قزاق ذخیره ۱۵۴

۵. یک اسم و چند لقب ۱۵۶

۶. ماجرای خانوگی رضاشاه ۱۶۰

فصل ششم ۱۶۵

روایت یاسر از ماجرا ۱۶۷

۱. یکی سنگ بود و دیگری آینه ۱۶۷

۲. کودتایی به نام کلرژه ۱۷۰

۳. فرهاد جزئیات بیشتری از کودری کلرژه می‌انست ۱۷۲

فصل هفتم ۱۷۵

روایت حبیب از ماجرا ۱۷۷

۱. کمیته زرگنده ۱۷۷

۲. بدهکاری نیروهای قزاق در قزوین ۱۸۲

فصل هشتم ۱۸۱

روایت ناصر از ماجرا ۱۸۹

۱. حرکت قزاق‌ها از قزوین به تهران ۱۸۹

۲. ماجرای سوگندی که کودتاچی‌ها خوردند ۱۹۳

۳. آیا ممکن است دو خط موازی به هم برسند؟! ۱۹۶

فصل نهم ۲۰۳

روایت یوسف از ماجرا ۲۰۵

۱. یک آدم مارموز ۲۰۵

۲. تقاضای عجیب یک آدم مارموز ۲۱۰

۳. دیگ شراکت کودتاچی‌ها نجوشید ۲۱۴

فصل دهم ۲۱۹

روایت یحیی از ماجرا ۲۲۱

۱. ان کی پاک می خورد و یکی خاک ۲۲۱

۲. در ازه حکم کا عیب نمی کند ۲۲۴

۳. هدیه نهایی ردن تاج یا تصاحب تاج؟ ۲۲۷

فصل یازدهم ۲۳۱

روایت فرهاد از ماجرا ۲۳۳

۱. یحیی ایستاده بود دم در. تا معلم‌ها سان ببیند ۲۳۳

۲. کنایه‌های بامزه مش رحمان ۲۳۶

۳. دزد حاضر، بزه هم حاضر ۲۴۵

۴. مدیر و ناظم، دست به سینه، مقابل پدرم ۲۴۹

فصل دوازدهم ۲۵۵

روایت کوروش از ماجرا ۲۵۷

۱. با رفتن یحیی، همه شدیم قشون بی سردار ۲۵۱

۲. روزی که تصمیم گرفتیم حساسی از خجالت فرهاد دریابیم ۲۶۰

۳. وقتی سبک گلو قلمبه می شود ۲۶۲

۲۶۹	فصل سیزدهم
۲۷۱	روایت فرهاد از ماجرا
۲۷۱	۱. وقتی ماشین دودی قاجار به قطار پهلوی رسید
۲۷۳	۲. یحیی شده بود قهرمان بچه‌ها
۲۷۷	۳. فرار از زیر تیغ نگاه تیز و تند بچه‌ها
۲۸۱	۴. «ریحی» به تا «ز» نداشت (زر، زور، زاری)
۲۸۴	۵. مادر، ریحی متین و زیبا به نام آنا
۲۹۱	۶. پیشنهاد حبس ریحی
۲۹۵	۷. رضاخان چه وری شده بود
۲۹۸	۸. چرا رضاخان «ارسی» نمی‌داد؟
۳۰۲	۹. من فرهاد نیستم. یحیی هم من!
۳۰۳	۱۰. پدر بزرگم زغال اخته‌ها را با و له کرد
۳۰۴	۱۱. آنا از پدر بزرگم پرسید
۳۰۶	۱۲. ماجرای برکناری غیابی احمدشاه از سلطنت
۳۱۱	۱۳. ماجرای به سلطنت رسیدن رضاشاه
۳۱۳	۱۴. آنا سببی برای پدر بزرگم فرستاد
۳۱۸	۱۵. رفتار پدر بزرگم فرق کرد
۳۱۹	۱۶. آنا به تمام پرسش‌هایم پاسخ داد
۳۲۰	۱۷. رضاشاه و موضوع احداث راه‌آهن
۳۲۳	۱۸. تفاوت رضاخان و رضاشاه
۳۲۷	۱۹. ماجرای قرارداد داری
۳۲۹	۲۰. آخرین حرف‌ها و توصیه‌های آنا
۳۳۱	۲۱. وقتی بغض راه گلویم را گرفت
۳۳۳	۲۲. راهی برای آشنایی آنا و پدر بزرگم

۲۳. هوای فردا: خوب و آفتابی ۳۳۵

۲۴. آنا و پدربزرگ، زیر بید مجنون ۳۳۶

فصل چهاردهم ۳۴۱

روایت یحیی از ماجرا ۳۴۳

پایان داستان: قطاری سنگین، قطاری خالی ۳۴۳

www.ketab.ir